

## جایگاه شعر و شاعری در نمایشنامه‌های استاد عبدالرضا فرید زاده

محمد رضا روزبهانی

دکترای تاریخ و عضو هیات علمی مرکز آموزش عالی شهدای مکه دانشگاه قره‌نگیان تهران  
rozbahany12@yahoo.com

### چکیده

استاد فریدزاده نمایشنامه نویسی است که دستی استوار در شعر دارند و نمایشنامه‌ها و سروده‌های کهن و جدید چاپ شده و نشده‌وی، نشان می‌دهد که ایشان به صورت هنرمندانه‌ای به این هر دو هنر مسلط هستند و آنها را در کنار هم می‌بیند، به گونه‌ای که نه تنها نمایشنامه نویسی بودن وی در اشعار وی رخ می‌نماید، بلکه شاعری ایشان هم در نمایشنامه‌هایش به شکل وسیعی خود نمایی می‌کند. در این مقاله سعی شده است ضمن دسته‌بندی نمایشنامه‌های استاد در سطوح گفتاری پنجگانه، تراژدی، حماسی، واقع‌گرایی، طنز و لوده بازی و تاریخی-حکایتی؛ بعضی از متون را که جنبه تراژیک، حماسی و تاریخی آنها غلبه دارد و گفتار منظوم و نثر شعر گونه بهترین شکل بیان آنهاست و عواطف رفیع انسانی را بیان می‌کنند، انتخاب کرده ضمن معرفی مختصر آنها، با ذکر نمونه‌هایی سطح گفتار و نوسانات سطح زبان آن نمایشنامه‌ها را مشخص کنیم و از این طریق به این فرضیه برسیم که نمایشنامه نویسان شاعر در زمینه ادبیات نمایشی آثار تاثیر گذار تری را عرضه می‌کنند.

واژگان کلیدی: شعر، نظم، نمایشنامه، فریدزاده، گفتار، نثر شعر گونه

### ۱- مقدمه

اینکه بسیاری از زبان شناسان اعتقاد دارند زبان طبیعی بشر از آغاز زبان شعری بوده، به این دلیل است که در قدیم زبان منظوم برای بیان ساده تر و نزدیک تر بوده است؛ که البته منظور از نظم، نظم موجود در اشعار امروز نیست، بلکه سخن از ریتم، هارمونی (آهنگ) و وزن است. قدیمی ترین آثاری که در بین النهرین باستان و تمدنهای دوران پیش از میلاد مسیح از جمله، سومر و بابل، یونان و روم، چین، مصر و بسیاری از متون مذهبی هند و ایران باستان، که بعضی از آنها قدمتی پنج هزار ساله دارند، یافت شده است، برای اثبات این نظر دلایل فراوانی در اختیار محققین قرار می‌دهند. و البته هر قوم و ملتی نوعی شعر (نظم)، و همچنین موسیقی، را به تناسب زندگی خود بوجود آورده، که این زبان منظوم طی زمان جای خود را به زبان منثور داده است. بر اساس قاعده اولین نمایشنامه‌های نوشته شده هم بصورت منظوم بوده و این سنت تا قرون وسطی هم ادامه پیدا کرد و به تناسب فضای مذهبی موجود، نمایشنامه‌های منظوم اما با مضامین دینی و مذهبی تولید شد. (الوند: ۱۳۸۶) در متون نمایشی کهن ایران هم (ر.ک. ستاری، ۱۳۸۷)، که عموماً جنبه آیینی داشته‌اند، و در اشکال مختلف، خیمه شب بازی، معرکه، پرده خوانی، و نمایش‌های آیینی (ر.ک. آژند، ۱۳۷۳)، نقلی، تعزیه و... رخ نموده‌اند زبان غالب منظوم است.

نورتروب فرای (Northrop Frye) منتقد مشهور کانادایی به علل و چگونگی استفاده از نظم در نمایشنامه نویسی به چهار سطح متمایز گفتاری اشاره می‌کند، که علاوه بر نمایش در رمان نیز کاربرد دارد:

" [۱] اگر تماشاگر می‌بایستی کاراکترها را مانند خدایان و همچون موجوداتی بس فراتر از خویش بیابد، در قلمرو اسطوره واقع می‌شود، [۲] اگر تماشاگر می‌باید به کارکترها مانند انسانهایی بسیار برتر و بالاتر از خویش بنگرد، در قلمرو حماسه قرار می‌گیرد، [۳] هر گاه تماشاگر می‌بایست کاراکترها را هم تراز و همانند خویش بداند، با سبک واقع‌گرا روبرو است؛ [۴] و بالاخره اگر تماشاگر کاراکترها را